



قوت و ضعف رسانه ملی در ایام فجر انقلاب

■ **معصومه طاهری**

سی‌وهشتمین سال انقلاب اسلامی هم به پایان رسید و یک سال دیگر به سن این انقلاب جوان اضافه شد. در این راستا برخی رسانه‌ها با شیوه‌های مختلف به ذکر وقایع تاریخی و اتفاقات این هبه پرداختند. تلویزیون هم که به تعبیر امام(ره) دانشگاه عمومی است و باید برای همه مردم که در هر جای کشور ساکن هستند آموزنده و تأثیرگذار باشد همه ساله تلاش زیادی می‌کند تا این روزهای خاطر‌انگیز را به تصویر بکشد و از آنجا که لقب رسانه ملی را به همراه دارد باید فارغ از سوگیری‌ها و جناح‌طلبی‌های چپ و راست به برنامه‌سازی کند. یکی از این امور مربوط به ذکر وقایع تاریخ معاصر و روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی است که از تلویزیون انتظار می‌رود به تئوری و روشنگری عموم بپردازد؛ چرا که شبکه‌های معاند ضدانقلاب همواره سعی می‌کنند تا با وارونه کردن حقایق، جنایتکاران پهلوی را تطهیر کرده و ذهن عمومی به خصوص نسلی که انقلاب را در ک نکرده‌اند با جعلیات خود منحرف سازند و هر آنچه خودشان می‌خواهند به آنها تزریق کنند.

لذا از نقاط مثبت و مطلوب تلویزیون در ایام فجر پخش مستندات تاریخی همراه با صدا و تصویر بود بدون این که مخاطب مجبور بشود نیمی از برنامه را با حواشی یا حرف‌های مجری کم‌اطلاعی دنبال کند؛ به‌خصوص پخش صدای محمدض‌ا شاه که‌ه از ترس با تلفن می‌زد و به خوبی می‌شد لرزش تن صدای او را در آن شرایط انقلاب حس کرد یا ماجرای جزء به جزء سینما رکن آبدان که در این چند ساله اخیر چیز زیادی از آن گفته نشده بود و تنها شنیده بودیم سینمای در آبدان به آتش کشیده شد و عددهای در آن سوختند اما این بار به صورت کامل از آرشیوهای صداوسیما اطلاعات را بیرون آورده بودند. «در برابر طوفان» هم یکی از بهترین مستندهایی بود که تلویزیون پخش کرد که از تصاویر و نگاه‌های بکر در تعریف‌دوران پهلوی و انقلاب بهره گرفته بودند کاری که نشان داد ما می‌توانیم مستندهای خوب و تأثیرگذاری بسازیم. البته بحق در چند ساله گذشته در زمینه انقلاب مجموعه مستندهایی خوبی تولید شده‌است که‌اگر مستندی مانند «انقلاب ۵۷» شبکه من و تو را کنار آنها بگذاریم متوجه می‌شویم تنها دیدگاه متفاوت و حرف‌های مخالف آن مستند است که باعث دیده شدنش می‌شود، و گر نه قدرت ساخت مستند در آثار تولیدی داخلی ما سوندنی است به طریی که مدیران تلویزیون هم با مستندسازان همکاری داشته باشند و آرشیو صداوسیما را در اختیار آنها قرار بدهند؛

چه آن که همه می‌دانیم تولید مستند وسیله من و تو در رابطه با انقلاب، تنها به ایشکه آرشیوی بود که در تلویزیون ملی خودمان بود، ولی کسی حق دسترسی به آن را نداشت؛

«مولانا» از ۳۷سالگی تا زمان

در گذشت مولوی را روایت می‌کند

یکی از نویسندگان سریال تلویزیونی «مولانا» اعلام کرد تا به امروز سینمایس ۱۸ قسمت از این مجموعه ۳۶ قسمتی نوشته شده و دیالوگ‌های سه قسمت از فیلمنامه هم به پایان رسیده‌است. مهدی شیرزاد، یکی از نویسندگان درباره آخرین وضعیت نگارش متن سریال «مولانا» به ایسنا گفت: این‌سریال در ۲۶ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای به سفارش سر مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی نوشته می‌شود. قبل از شروع نگارش، تحقیقات جامعی انجام دادیم. البته هم‌زمان با نگارش تحقیقات ادامه داد.

وی ادامه داد: فیلمنامه این مجموعه از من و مهدی کی‌امی نویسیم. تا به امروز سینمایش ۱۸ قسمت و دیالوگ‌های سه قسمت نوشته شده است. در مجموع می‌توان گفت که ۳۰ درصد از نگارش به پایان رسیده‌است.امیدوارم طرف سه ماه آینده فیلمنامه را تمام کنیم. این نویسنده درباره تقسیم کار در هنگام نگارش توضیح داد: طرح‌های این مجموعه را همراه با هم در آورديم. وقتی من روی سینمایش کار می‌کنم، بعد از تمام شدن به مهدی کی‌امی دهم و او کارهای نهایی را روی متن انجام می‌دهد و وقتی او دیالوگ می‌نویسد، بعد از آن من کارهای نهایی را روی آن انجام می‌دهم. در مجموع تعامل و همکاری دو سویه بین من و مهدی کیا برقرار است و با

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۴۶۶

احمد رضا معتمدی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور:

سینمای ایران را ابتذال‌گرایان مجیز‌گویان و وابستگان آن سوی آب برده‌اند



احمدرضا معتمدی کارگردان سینمای ایران در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور عنوان نمود: کارگزاران شما با نحوه داوری و گزینش جشن سینما که قرین با دهه انقلاب است، متأسفانه تعریفی تازه نیز از دهه فجر به دست داده‌اند و این هزینه گزافی بود که بر شما و سایر اصحاب انقلاب تحمیل کردند.

معتمدی که کارگردانی آثاری همچون بوف کور، اژدرایمر، قاعده بازی، دیوانه از قفس فریید و... را در کارنامه خود دارد، با انتشار نامه‌ای خطاب به حسن روحانی رئیس دولت یازدهم، نسبت به عملکرد مدیران سرسینمای کشور و بر گزار کنندگان جشنواره فیلم فجر این‌سری کارگردان سینما خطاب به

رئیس‌جمهور آورد:

این رنجنامه‌ای است از یک شهروند درجه «دو» و «سه» به فردی که در صدر مقامات کشور نشسته است. شما نمی‌شناسید، اما من شما را خوب به خاطر دارم. ما در اوایل دهه ۶۰ یک سال در یک مجموعه فرهنگی هنری همسکار بودیم. آن هم در یک واحد و یک طبقه. آن زمان من یک دانشجوی تحفی فلسفه و هنر بودم و جناب‌عالی سرپرست و رئیس شورا.

هر چند آن دوره، دولت مستعزلی بود و شما به دلیل اقدام به بستن کار روزهای بزرگ ملی و دینی را برای فرزندان نسل‌های آینده کشور به زیبایی تصویر نکشیم، دیگران اقدام می‌کنند و از این صفحه ساده و سفیدذهنی‌شان سوءاستفاده می‌رند؛ بنابراین با توجه به فضای رقابتی رسانه‌ای به‌خصوص ارائه آثار آیدگه‌آزاد درباره هنر و روشنگری معطوف به موسیقی به‌ویژه موسیقی کلاسیک بود، که هنوز در حافظه بنده باقی مانده است.

آقای دکتر! شما رئیس‌جمهور کشوری هستید با سابقه فرهنگ و تمدن دست کم ۵هزار ساله. ایرانی که اگر در دوره باستانایی قدرت برتر سیاسی و نظامی جهان بود، پس از انقلاب تکاملی

آخرین فرستاده الهی، قرن‌ها در برترین قله علمی، فرهنگی و هنری جهان ایستاد. نام‌هایی مانند قارایی، ابن‌سینا، رازی، سهروردی، فردوسی، خیام، صدرا، سعدی، حافظ و مولوی و... حتی در جهان معاصر کمتر همتایانی در حد اصالت و اعتبار خویش یافته‌اند.

آقای رئیس‌جمهور! چرا بایستی دانش نظری موسیقی را بزرگانی مانند قارایی، ابن‌سینا، عبدالقادر مراغه‌ای، صفی‌الدین آرموی، قطب‌الدین شیرازی و... در احصاءالعلوم، الکبیر، شفا، دانشنامه‌عالی، النجاء، مقصدالاحیان، الادوار، رساله شریفه، ایقاع، دره‌التاج و... در هزاره گذشته روح انسانی بیگانه‌اند؟ مدعیان تمیز آثار هنری، باید پدیدارشناسی اثر هنری را به جنان آرموده و آموخته باشند تا در یابند یک اثر چقدر «درمند» است؟ چقدر دغدغه‌مند است؟ چقدر «مضطر» است؟

آقای ارجمند! شما خود دانشمند و صاحب‌نظر در یکی از شاخه‌های علوم انسانی هستید. شما دقیق‌تر از من می‌دانید که دستیابی به مرتبه‌آری و حکم و دادرسی در یک رشته از دانش بشری تا چه اندازه زحمت، کوشش، پرسش در ظاهر بر از ابهام و ابهام، یک عبارت بیش نیست: آن موسیقی فاخر و شریف که از آن آوای مینوی، صدای آسمانی و در یک جمله «ندای الهی» به گوش رسد، بالطبع سیاست‌زدگان و دغدغه‌پیشگان نیست. حاکمیت و ابتذال در هنر و موسیقی و سینما به نفع کسانی است که روزی در خاموشی آن پاکوبی کنند و روزی در مرتبه آن سراندازی....

آقای دکتر! شما که پیش از بنده این درس‌ها را آموخته‌اید، بهتر می‌دانید که موسیقی تنها هنر است که بازنمایی مطلق «زمان» است. سایر هنرها از نقاشی، معماری، سینما، عکاسی و... همه بازنمایی «مکان»‌اند و هنرهای

تحقیق و پژوهش و گردوخاک‌خوردن کتابخانه‌های قدیم و جدید می‌طلبد.

پس چگونه به این تخطی از متدلوژی دانایی‌تن در داده‌اید که عددهای ولو دانشمند و نخبه در یک شاخه از معرفت بشری در اوقات فراغت به‌شاخه‌ای دیگر از علم و دانایی سرک بکشند، و در همان سرخوشی گذران فراغت در شاخه بیگانه با دانایی‌شان داوری کنند و حکم نیز صادر کنند. هیچ شاخه‌ای از معرفت بشری گزاره فراغت یا حیاط‌خلوت شاخه‌ای دیگر از دانش انسانی نیست.

«سینما»، امروز به حوزه و آکادمی علوم سینمایی بدل شده‌است. نظریه فیلم، نقد فیلم، سبک‌شناسی، ساختارشناسی درام، فلسفه فیلم، کارگردانی، تدوین و... این دانشجوی تحفی فلسفه و هنر، پس از ۴۰ سال طلبگی در کرسی استنادی مانند علامه جعفری، مطهری، شهیدی، شریعتی، داوری، دینانی، مجتسی، عبادیان، مجتهدی، جهانبگلو، عظیمی و... تنها توانسته‌ام به یک شاخه از دانش سینمایی یعنی فلسفه فیلم سررک قدس و ورچاوندی است.

چرا کارگزاران شما فیلمی را که درمندان‌ه کسانی که زبان‌باطنی‌عالم تجرید و روحانیت را به تخدیر الوده‌اند، گلابه کرده و نالیده‌اند. از شرکت در جشن هنر متعهد انقلاب که هنر «هرد» صفا‌الدین آرموی، قطب‌الدین شیرازی و... در احصاءالعلوم، الکبیر، شفا، دانشنامه‌عالی، النجاء، مقصدالاحیان، الادوار، رساله شریفه، ایقاع، دره‌التاج و... در هزاره گذشته روح انسانی بیگانه‌اند؟ مدعیان تمیز آثار هنری، باید پدیدارشناسی اثر هنری را به جنان آرموده و آموخته باشند تا در یابند یک اثر چقدر «درمند» است؟ چقدر دغدغه‌مند است؟ چقدر «مضطر» است؟

آقای رئیس‌جمهور! حرف آخر: بنا داشتم در جشن فجر، فیلمی که درباره زبان و شعر و موسیقی است به استاد ۲۰ساله خودم دکتر رضا داوری‌زادگانی را به مانده عسرت و مستسارت، بنهون، چایکوفسکی و... قرین باشد.

شما خود بهتر از امثال بنده می‌دانید که بزرگانی که نام برده‌ام همه در سایر شقوق تفکر دینی از ققه و کلام و فلسفه و حکمت و ادب و هیئت و... صاحب‌نظر و معر که‌گردان بوده‌اند و در عدم نسبت و بی‌تفاوتی با شریعت و احکام و به نظریه پردازی در موسیقی اهتمام بشری تا چه اندازه زحمت، کوشش،

مستغاثی:

جشنواره فیلم فجر هنوز انقلابی نشده است

ایران بوده‌ایم اظهار داشت: متأسفانه دست‌های پلیدی در کار بوده که همیشه جلوی این قبیل اندیشه‌ها را مسدود می‌کرده و همین امر باعث شده طی ۳۵ دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر ما شاهد انقلابی شدن آن نباشیم و روزبه‌روز بیشتر از گذشته به فرهنگ شوم غربی پناه ببریم و حتی در اجرا و ساختار نیز از آنها تقلید نینفند.

وی تصریح کرد: تا تفکر ضداسلامی در سینما از بین نرود نمی‌توانیم آیمدی



به بهبود اوضاع داشته باشیم؛ در حال حاضر تفکر سکولار و ضداسلامی در سینمای کشور با مفهوم اسلام و انقلاب در حال جدال است و می‌خواهد هویت دینی و اسلامی ما را از بین ببرد. ما باید آگاه باشیم که مسئله فرهنگ و هنر مسئله‌ای مهم و حیاتی است که باید به صورت بنیادین مشکلات آن در سطح کشور حل شود و اگر این اتفاق نیفتد ما طی سال‌های آینده دچار مشکلات عدیده‌ای خواهیم شد. ما امروزه بیش از

هر زمان دیگری نیاز به حضور نیروهای متعهد و ارزشی و پاینده به آرمان‌های نظام و انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگ و هنر داریم اما متأسفانه مدیران فعلی فرهنگی رسماً جایی برای حضور آنها باقی نگذاشته‌اند. این منتقد سینما خاطر نشان کرد: سوز‌ها و موضوعاتی که در سینمای کشور ما دستمایه تولید آثار سینمایی قرار می‌گیرند اصلاً به اسلام و انقلاب اسلامی ارتباطی نداشته و تنها درصدد ترویج ابتذال و روحیه روشنفکر مابانه در کشور هستند؛ پس با این احوال ما چه انتظاری می‌توانیم از جشنواره فیلم فجر داشته باشیم؟ وی در پایان این گفت‌وگو افزود: امیدوارم شرایطی به وجود بیاید که ما بتوانیم در آینده‌ای نه چندان دور برای همیشه دست اندیشه‌های پلید از سینمای کشور را کوتاه کنیم و تفکرات اسلامی و ارزشی و دینی و انقلابی را در آن جاری‌سازیم تا از این رهگذر پیام انقلاب و اسلام را به جهانبان مخابره کنند.

فرهنگ‌سازی اقدام

و عمل است نه بازی با کلمه



■ **حسن فرامرزی**

یکه: در این کشور هر کسی هر جایی نمی‌تواند پاسخگو باشد و می‌خواهد به نوعی از زیر سؤال دربرود و فراقتنی کند و بار مسئولیت را از شانه‌های خود بردارد مفر خوبی پیدا کرده‌است، راه درویی که حرف ندارد و می‌تواند او را به چشم برهم‌زدنی نجات دهد و آن مفر و نجات‌دهنده چیزی نیست جز یک کلمه به نام «فرهنگ‌سازی». کافی است به مصاحبه‌های مسئولان و مدیران کشور در سطوح مختلف توجه کنید و این کلیوازه را از خلال اظهارات آنها بیرون بکشید تا متوجه شوید که چندبار در یک گفت‌وگو وقتی که کار بیخ پیدا می‌کند و مصاحبه‌کننده می‌خواهد مدیر و مسئول را به گوشه‌رینگ برود چطور آن مسئول بدل می‌زند و با اسم رمز نجات‌دهنده‌ای به نام فرهنگ‌سازی از گوشه‌رینگ بیرون می‌آید و دست برتر را می‌گیرد. اظهارات هم در این باره مشابه است؛ کافی است هر جایی که مدیری از جواب گفتن باز می‌ماند بگویید باید در این باره فرهنگ‌سازی شود. مثلاً چرا وضعیت تلفات سوانح رانندگی بالاست؟ باید فرهنگ‌سازی شود. چرا وضعیت ترافیک داخل شهری اینگونه است؟ باید فرهنگ‌سازی شود. چرا هوای شهرها آلوده است؟ باید فرهنگ‌سازی شود. چرا مردم اضافه وزن پیدا کرده‌اند؟ باید فرهنگ‌سازی شود. چرا گرایش به فست‌فودخوری در جامعه بالا رفته است؟ باید فرهنگ‌سازی شود. چرا آستانه تحمل آدم‌ها پایین آمده است؟ باید فرهنگ‌سازی شود. می‌پسندید که این کلمه فرهنگ‌سازی چقدر عالی است و در همه موقعیت‌ها جواب می‌دهد و آخ هم نمی‌گوید.

دو: واقعیت ماجرا چیز دیگری است. قرار نیست که ما تبیلی‌ها، رکودذهنی، مطالعه‌ناشن و میل به مهپم و کلی حرف‌زدن و تخصص‌نداشتن و بدنه تنبل مجموعه تحت‌مدیریت خود را این طور در لفافه فرهنگ‌سازی کنیم. همچنان که متأسفانه محتوای آلوده خراب‌کننده، همچنان که متأسفانه امروز کلمه فرهنگ‌سازی مثل واژه‌هایی از این دست با محتوای آلوده و حاصلی که در آن ریخته شده خراب شده است. در موسیقی که فرهنگ‌سازی بازی با کلمه نیست. اگر امروز رهبر معظم انقلاب شعار سال را «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» می‌نامد این به آن معناست که ما سال را با بازی با کلمه سپری کنیم و فقط حرف و حرف و حرف نباشد حتی اگر این حرف‌ها بازنشر دوباره و سه باره هم فرهای رهبری هم باشد و به این صورت عددهای هم‌اینگونه از زیر بار مسئولیت خود فرار کنند.

سه: کمپین ۴۰۰ فروشگاه‌کش در تبریز با عنوان «افتخار فقط کفش تبریزی می‌فروشیم» به همت بازاری‌های تبریز و به جهت مقابله با عرضه و فروش کفش‌های چینی و تایلندی و ویتنامی می‌تواند نمونه‌ای از یک فرهنگ‌سازی سالم باشد. آنچه رسانه‌ها در این چند روز منتشر کرده‌اند، حاکی از آن است که این کمپین مردمی به سایر شهرهای این استان هم سرایت کرده و آنها هم به این کمپین پیوسته‌اند؛ حرکتی دلگرم‌کننده و واقعی که می‌تواند مثل یک دومینو فضای کل کشور و حتی اصفاد دیگر را هم دربر بگیرد. رئیس‌اتحادیه تولیدکنندگان فرش تبریز هم در موضع جاب توجه کنایه جالبی زده و گفته است: «تا کی غر بزیم و التماس کنیم که حمایتان کنند؟ چقدر نامه به دولتی‌ها بنویسیم و در نشست‌ها سخنرانی کنیم؟ ما از خودمان شروع کردیم».

چهار: گمان می‌کنم ما در این کشور به اندازه کلمه با کلمات بازی می‌کنیم و مسلماً مدیران و مسئولان هم سرمداران بزرگ این بازی با کلمات و رونق دادن به این بازی دوسر زبان هستند که بخشی از این رفتار نامفاجم این بازی در نوع ماوجه مدیران مسئولان و حتی رسانه‌های مابا کلمه فرهنگ‌سازی دیده می‌شود.

رامبد جوان، ایران ۱۴۲۵ را می‌سازد



«نگار» در خصوص جدیدترین فعالیت سینمایی خود گفت: قصد ساخت فیلمی را دارم که در سال ۱۴۲۵ در ایران می‌گذرد. وی ادامه داد: احسان گودرزی نگارش آن را برعهده گرفته است و فضایی بسیار شگفت‌انگیز دارد. گفتنی است پیش از این رامبد جوان فیلم «نگار» را برای جشنواره سی و پنجم فیلم فجر ساخت که تنها در بخش موسیقی توانست سیمرغ بگیرد.